

کاستیو ارمالس کرد آمده بودند، اسلحه داد تا [حرکت] انان در تدارک عملیات خرابکاران را تسريع کنند» (۲۰). سازمانده عملیات هم آن دلاس بود؛ برادر جان فاستر که پیش از رسیدن به ریاست سازمان سیا، در هیئت امنی «بینایت فروت کمپانی» عضویت داشت (۲۱). سایر اعضا گروه «عملیات رهانی بخش» عبارت بودند از سفیران ایالات متحده در کواتمالا، هندوراس، کوستاریکا و نیکاراگوئه (۲۲).

چند سال پس از کویدتی که به بر انتبان ڈاکوب آریزون و روی کار آمدن سرهنگ کاستیو ارمالس انجامید، آرین هارل گفت: «ما می باست کربانمان را از نست حکومت کمپونیستی شی که زمام امور را به نست گرفته بود، رها می کردیم» (۲۳). [همانکنکه که می باست کربانمان شان را از نست دولت مصدق رها می کردند]. آریزون اما کمپونیست نبود. مردمی بود؛ ملی، دموکرات. نمی خواست ثروت کواتمالا به یغما رو و بینایت فروت کمپانی در یکسال ۱۹۵۰، ۶۶ دلار سود خالص و مالیات در رفته از کشور خارج کند و نقشی تعیین کننده در سیاست های کشورش داشته باشد (۲۴). و این کنایی ناخوشیدنی بود؛ به ویژه در آن دوره؛ در هنگامی چند سرد و رقابت سخت «دو ابر الدرت» و اراده ایالات متحده در خاموش کردن هر صدائی مستقل و هر حرکت ترقی خواهان ای که ممکن بود در کوشش ای از جهان توانن قوا را به زیان «اردوگاه غرب» تغییر دهد.

با این همه «سرنگونی آرینز در کواتمالا اتشی بر افریخت که هرگز خاموش نشد» (۲۵) دولت کوئتا رشتہ های گرسیخت شده و باستکی به ایالات متحده را بازیورست. حاکمیت بینایت فروت کمپانی بر اقتصاد کشور نوباره برقرار گشت و زمین های تقصیم شده میان روستاییان به «کمپانی» بازگشت احزاب سیاسی، سازمان های صنعتی و اتحادیه های کارگری سرکوب شدند؛ استبداد به جای آزادی نشست؛ و خلقانی نفسگرد بر همچا سایه گشتد.

شدت گرفتن اختناق توسط نژال میکل ایدی گواراس نوینتس - که پس از مرگ مشکلک کاستیو ارمالس در سال ۱۹۵۷ به روی کار آمد - کوشش اشکار ارشن برای دور نگداشت آره والی تبعیدی از مسابقه انتخاباتی و بر جا نشاندن یک نظامی بیگر بر اریک قدرت، پیشگیری از هر امکان بیان رسمی و نهادی در خواسته های اجتماعی (۲۶)، سرکوب خشن هر حرکت اعتراضی و... نشان می داد که دموکراسی در چشم انداز نیست، بیکارانی پایر جاست، ارشن در تدریت باقی است و مبارزه مسلط آمیز تماری از پیش باخته. این همه، گرایش به مبارزه مسلحانه را تقویت می کرد که کارائی خود را در کویا نشان داده بود و به سرنگونی نژال باقیستا انجاییده بود.

این چنین بود که وقتی تقدیگاران امریکانی با اجازه نژال نوینتس در سواحل کواتمالا پیاده شدند تا در چنگلکهای این کشور به آموزش نظامی نیروهای خد کاستر پیردازاند، افسران میهن پرستی که هنوز در ارشن مانده بودند، سر یه شورش برداشتند (۲۷). لیکن عملیات تصرف پندر پونتیک پاریوس در ساحل اقیانوس اطلس، شکست خورد و بسیاری از شورشیان به نست نیروهای پادشاهی به نار بودند. اما شکست این عملیات، شروع عملیات مسلحانه در کواتمالا را به دنبال داشت و پیدایش یکی از سازمان یافته ترین چنیش های چریکی را و گشاپیش مرحله تازه ای در مبارزه با بیکارانی نظامی را! و این به روز ۱۲ نوامبر ۱۹۶۰ بود.

### چنیش چریکی

با زماندکان شورش ۱۲ نوامبر، بنیانگذاران «چنیش انقلابی ۱۲ نوامبر» شدند. رهبران این «چنیش» بین سوسا و تورسیوس لیما، افسران میهن پرست و ترقی خواهی بودند که از پیش با روشنگران انقلابی پیوند داشتند. و این پیوند زمینه دگرگونی «چنیش» و

### زمینه های جنگ

اگر پیوند میان نخالت نظامی ایالات متحده آمریکا در کواتمالا و آغاز مبارزه مسلحانه در این کشور، سال ها بازگو نمی شد، امریز کمتر بررسی شد که بهم پیوستگی این در رویداد را به رسمیت نشاند. این نکته حتا به ریزنامه ها هم کشیده شده است: «دولت ایالات متحده... در سال ۱۹۶۷ کویاتانی نظامی نی سازمان داد که آغازگر دور خشونت و خلقانی با حمایت دولت گواتمالا شد» (۲۸). این کویاتانی نظامی، خد ڈاکوب آریزون، رئیس جمهور قانونی و منتخب مردم کواتمالا، سازمان ناده شد.

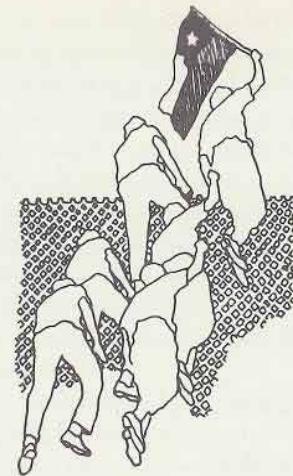
کنایه آرینز چه بود؟ او یکی از «افسران لیبرال» و میون پرستی بود که دشادیش داشگاهیان ترقی خواه، شورش مکانی ۲۰ اکتبر ۱۹۶۷ را بهی کرد (۲۹). شورش که به سبب درگیری بین امپریالیسم ایالات متحده در جبهه های جنگ ضد فاشیستی، در نتیجه کامپنی حمایت های دولت ریزنات از دیکتاتوری نظامی دن خرگ ایگن، آسان به پیوند رسید. نخستین عمل شورشیان، برگزاری انتخابات آزادی بود که دولت غیر نظامی و دموکراتیک خوزه آره والو را به روی کار آورد؛ پس از یک سده استبداد و دیکتاتوری نظامی، آرینز و نزد نفع این استاد داشگاه سابق و لیبرال جا فراشست و «یک برایر «بینایت فروت کمپانی» آمریکا قد برآورده است و بازگار قانون کار و یک لایحه اصلاحات ارضی به یادگار گذاشت» (۳۰) و نیز امیدواری نسبت به تغییراتی ساختاری و بهبودی می زندگی مردم را. گفتار و کردار او، اما، بر «بینایت فروت کمپانی»، که از سال ۱۹۶۹ شریان اقتصاد کشور را به نست داشت، کران آمد؛ و نیز بر ۲۲ «نامیل» کی نیز از زمین های کشور را دارا بودند (۳۱). در نتیجه، آره والو در مدت شش سال زمامداری خود، با ۲۸ فقره توطئی کویاتی مواجه شد (۳۲) که به خرج «بینایت فروت کمپانی»، انجام گرفت (۳۳).

آرینز که در مارس ۱۹۶۱ به ریاست جمهوری رسید،

یکشنبه ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۷، پیمان «صلحی قلمی و پایدار» (۳۴) میان رهبران «وحدت انقلابی ملی کواتمالا» و رئیس جمهور این کشور، در کواتمالا سیتی امضاء شد و به این ترتیب دیرینه ترین جنگ امریکای مرکزی که ۲۶ سال به درازا کشید، پایان گرفت؛ یک چندی پس از پایان گرفتن جنگ ضد انقلابیون نیکاراگوئه علیه جامعه ای نوینیاد و برقرار شدن صلح میان دولت السالوادور و چههای فاراباندو مارتی.

دیرینه ترین جنگ امریکای مرکزی، خونین ترین جنگ این منطقه نیز بود (۳۵). در این جنگ ۲۰۰۰۰ تن کشته شدند (۳۶) (بیشتر شان به نست ارتش و شبه نظامیان وابسته به دولت) (۳۷) و ۴۰۰۰ نفر نایبید کشتد (۳۸). این جنگ ۲۵۰۰۰ کوکد را از پدر و مادر محروم کرد (۳۹) و ۸۰۰۰ زن یا مرد را بی همسر (۴۰). در جریان این جنگ هزارها تن به بازداشتگاه ها فرستاده شدند، به زندان ها و به شکنجه کاه هائی که در بخشیگری و خشونت، گوی سبقت از همه دیکتاتوری های نظامی امریکای چنینی کشود را از جا کرد و آواره کرد (بیشتر از میان جمعیت سرخ پوستان بیمی) (۴۱). در جنگ مهمنی بسته بود، برای تجارت هزاران تن شدند، به زندان ها و به شکنجه کاه هائی که در این همه، اثار پیدا و شمارش پنیر جنگ ایست و نی شود.

پیمان صلح چریک ها و دولت اما، تنها با هدف باز ایستادن جنگی روانگر و کشتاری هولناک به انجام نرسید. این پیمان که ره آورده چندین سال مذاکره چند جانبه است - و به همین اعتبار در حضور بیکری مل متحده به امضاء رسید - هدف خود را از بین بودن زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی نی را قرار داده که مخالفان سیاسی - و نیز ایگر بود، دولت نیکاراگوئه سفیر خود را از کواتمالا فرا خواند و سفیر هندوراس نیز به کشور خود بازگشت. دولت آمریکا به نیکاراگوئه و هندوراس که تعبیه میان کواتمالا در آنجاها به دور سرهنگ دیکتاتوری نظامی روی اوردند.



ناصر مهاجر

## صلح گواتمالا : پایان یک دوره

پیمان ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۷، پیمان «صلحی قلمی و

پایدار» (۳۴) میان رهبران «وحدت انقلابی ملی کواتمالا»

و رئیس جمهور این کشور، در کواتمالا سیتی امضاء شد و به این ترتیب دیرینه ترین جنگ امریکای مرکزی که ۲۶

سال به درازا کشید، پایان گرفت؛ یک چندی پس از

پایان گرفتن جنگ ضد انقلابیون نیکاراگوئه علیه جامعه ای نوینیاد و برقرار شدن صلح میان دولت

السالوادور و چههای فاراباندو مارتی.

دیرینه ترین جنگ امریکای مرکزی، خونین ترین جنگ این منطقه نیز بود (۳۵). در این جنگ ۲۰۰۰۰ تن کشته شدند (۳۶) (بیشتر شان به نست ارتش و شبه نظامیان وابسته به دولت) (۳۷) و ۴۰۰۰ نفر نایبید کشتد (۳۸). این جنگ ۲۵۰۰۰ کوکد را از پدر و مادر محروم کرد (۳۹) و ۸۰۰۰ زن یا مرد را بی همسر (۴۰). در جریان این جنگ هزارها تن به بازداشتگاه ها فرستاده شدند، به زندان ها و به شکنجه کاه هائی که در بخشیگری و خشونت، گوی سبقت از همه دیکتاتوری های نظامی امریکای چنینی کشود را از جا کرد و آواره کرد (بیشتر از میان جمعیت سرخ پوستان بیمی) (۴۱). در جنگ مهمنی بسته بود، برای تجارت هزاران تن شدند، به زندان ها و به شکنجه کاه هائی که در این همه، اثار پیدا و شمارش پنیر جنگ ایست و نی شود.

پیمان صلح چریک ها و دولت اما، تنها با هدف باز

ایستادن جنگی روانگر و کشتاری هولناک به انجام

نرسید. این پیمان که ره آورده چندین سال مذاکره چند

جانبه است - و به همین اعتبار در حضور بیکری مل

متحده به امضاء رسید - هدف خود را از بین بودن

زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی نی را قرار داده

که مخالفان سیاسی - و نیز ایگر بود، دولت نیکاراگوئه

و دادشت سلاح به کف کیرند و به مبارزه مسلحانه علیه

دیکتاتوری نظامی روی اوردند.

« مصلحت که با عدالت همراه نشود، قوی پیشاد نیست. آن فم مصلحت که پس از پایان پاشد بر جنگ خویند و دیرین. تنهایا با اجرای عدالت است که می شود، پیشادهای مصلح را قری ماخت و به « پیمان ملتمی قطعی و پایدار » نست پاقت. اما آیا اجرای عدالت در گواتمالا ممکن است؟

یدک من کشید. امضاهکنندگان نخستین، ۲۶ تن بودند و همه چهره های شناخته شده، چنین خد بیکاربری: فعالین اتحادیه های کارگری و تشکل های دعفانی، کوشندگان حقوق سرخ پوستان، کشیشان، شاعران، نویسندها، دانشگاهیان، حقوق دانان و روزنامه نگاران، آزادیخواه و... از این پس « کیتی وحدت مینی کواتالا »، در نقش جناب سیاسی، « وحدت انقلابی ملی کواتالا » وارد میدان مبارزه شد.

### « وحدت انقلابی ملی گواغالا »

« وحدت انقلابی ملی کواتالا » در ۱۹۸۲، شکل گرفت. « ارتضی چریکی بی نوایان »، « نیروهای مسلح شورشی »، « سازمان انقلابی مردم مسلح » و « حزب کمونیست کواتالا - هسته رهبری ملی »، شکل دهنگان این وحدت بودند. پنج نکته پایه این وحدت بود. (۲۰)

۱- انقلاب یک بار و برای همیشه سرکوبگری علیه مردم را برمی اندازد و متنهای درجهی حقوق پسر، یعنی حقوق زندگی و در صلح زیست را برای همه شهروندان تضمین می کند.

۲- انقلاب بینادهای برآورده شدن نیازهای اساسی اکثریت عظیم مردمان را به وجود می آورد. با برانداختن سلطه اقتصادی و سیاسی ثروتمندان سرکوبگری ملی و خارجی که بر کواتالا حکومت می کند.

۳- توپیخی که بر اصل بالا نوشته شده در چند مورد جای اباه نمی کنار. اصلاحات ارضی، تضمین فعالیت واحدهای اقتصادی کهک و متوسط، « سود، معقول »، و کنترل قیمت ها از سوی دولت.

۴- انقلاب برابری میان سرخپوستان و دورگها را تضمین می کند و به ستم فرهنگی و تبعیض پایان می بخشد.

این اصل بر شرکت سرخ پوستان در قدرت سیاسی تأکید دارد و هم سرخ پوستان را در پاسداری از هویت رویه شان به رسمیت می شناسد.

۵- انقلاب، آفرینش یک جامعه نوین را تضمین می کند: که بر آن فم بخش های میهنی، مردمی و دموکراتیک در دولت نمایشگی می شوند در این اصل « از سوداگران میهنی » با احترام یاد می شود. و گفتند می شود که آنها از حقوق کامل شهروندی برخوردارند. به محدودیتی بر آزادی بیان و آزادی اجتماعات و آزادی بین اشاره نمی شود، هتا کله می شود که انقلاب، جامعه مسیحیان کشور را به عنوان یک از ستونهای جامعه نوین را رسمیت می شناسد. از نژمنان انقلاب نسبت به افسرانی که از فرمان سرکوب مردم سرپیچ کرده اند سخن گفته می شود: و از اینکه فم ارتشاریان که مستشان به خون مردم الوده نیست من قوانند در ارتضی انقلابی مردمی اتی شرکت داشته باشند. به برابری حقوق زن و مرد نیز پرداخته می شود: و به وظیفه ویژه دولت در رسیکی به سالندان و کیکان.

۶- بر اساس اصل حق تغییر سرنوشت ملت ها،

می دارد که انقرباً کواتالا باید دارای بروجه باشد. مبارزه طبقاتی و مبارزه قومی - ملی. بدینهست که این پیوسته اند و میچکام بیون دیگری به پیوستن نصی رسید. (۲۲)

وچه تمايز بیگر این سازمان نسبت به جنبش انقلابی ۱۲ نوامبر و نیروهای مسلح انقلابی، رد کامل شروعی کانون های چریکی بود و باره به فعالیت علنی پس از کسب امدادی برای ایستادگی در برابر ارش، و نیز باور به سازماندهی سیاسی مبارزه روستانیان، همینجا بگوین که سازماندهی روستانیان سرخ پوست باندی های سن میکل در « اتحاد مرکزی کارگران روستانی » که یکی از رهبرانش ریگورتا منجویات بود (برنده جایزه نوبل صلح در سال ۱۹۹۲) نقش مهمی در بر جا ماندن و ریشه دوایین سازمان داشت (۲۳).

« سازمان انقلابی مردم مسلح » را دیگر استریوس بیان کنار: « بروند و دیریگن میکل آنژه استریوس بیان برند: جایزه نوبل ادبیات، این سازمان نیز بر اهمیت نقش مردم بهی کواتالا در رشد و پیوستن جنبش تاکیدی می دزدید و در میان سرخ پوستان چند و غرب کشید پایگاه داشت. اما تاکید بیشترش بر « پیشبرد استراتژی ایجاد ائتلاف گسترده روشنگران و کارپدرازان طبقه متوسط ترقی خواه » بود. (۲۴) این سازمان کمتر از سایر سازمان های چریکی بر اندیشه مارکسیستی تاکید داشت و بیش از دیگران مصلحت اندیشی بود: (شاید به همین دلیل هم کمی پس از فرو ریخت دیوار برلین و فروپاشیده شدن شوروی، اعلام کرد که مارکسیسم را کثار کاشت است.)

برآمدن « موج نوم »، چنیش چریکی و اخراجش شدن اتش مبارزه در گوش و کنار کشی، سکانداران سیاست کواتالا را سخت به هراس اندشت. پیوستن « جیمهه ملی رهانی بخش سانینیست » بر ارتضی ساموزا، این هراس را نو چندان ساخت. پیشرفت های « جیمهه ملی رهانی بخش فاراباندو مارتی » در چند گاه از ارتضی سالانه و قدرت بو گانه ای که بر آغاز دهه هشتاد در این کشور پیدی امد، لرزه بر انداز نظامیان حاکم بر کواتالا اندشت. این رویداد، افزایش کمک های تسليحاتی ایالات متحده به کواتالا در پی داشت و رابطه نزدیک تر دولت را که بر زمان ریاست جمهوری کاربری به سریعی گرانیده بود (۲۵) از این پس ژانوال رومن لرکاچ گارسیا با انتقام به حمایت همه جانبه دستگاه ریگان، سیاست بی رحمی نی را در نستور کار گذاشت که پیشتر دیده نشده بود.

ارتش در ۱۹۸۰، سی و هفت هفدهانی را که سفارت اسپانیا را به نشانه اعتراض اشغال کرده بودند، زنده ژنده سوزاند. (۲۶) در سال ۱۹۸۱ به کشتار دسته جمعی روستانیان نسبت زد و با هواپیماهای بمب افکن و هلی کوپترها چنگنده به ویران ساختن روستاهها و از بین بردن گشترزارها و نابود ساختن چهارپایان پرداخت. سیاست بی رحمی تها در مرود روستانیان و سرخ پوستان به اجراء کذاشت نشد. از نیمه دهم سال ۱۹۸۰ تا اول ۱۹۸۲، یعنی در هیجده ماه، ۱۲ کشیش کاتایک و ۱۰ آمورکار آمورش های دینی را کشتد. ۴۹ روزنامه نگار را سر به نیست کردند. روزانه ۲۶ نفر را رویاند، « تاپیدی کردن، شکنجه دادن، به قتل رساندن و جسمدهاشان را در گورستانهای مخفی به خاک سپریند ». (۲۷)

سرکوب، سرکوب شدکاران را به هم نزدیک و نزدیک تر کرد. چریکها کرد هم امتد. پیامون پاکلرمی سیاسی و استراتژی « چند گاتلاین توده ای »، « جیمهه ای یکانه ساختند و نام « وحدت انقلابی ملی کواتالا » بر آن نهادند. از همه مخالفین - و به ویژه حزب کمونیست - خواستند که برای « سرنگونی حکومت نظامیان و آنها که بسیار ثروتمند، و برقراری « دولتی انقلابی، ملی، مردمی و دموکراتیک » در یک « جیمهه واحد ملی میهنی » متشکل شوند (۲۸) به این خواست « کواتالا هایی از بخش های اجتماعی، جریانهای ایتلولویک و مکتب های فکری گوناگون » (۲۹) پاسخ دادند و نیز اعلامیه ای امضاهکنندگان « کام وحدت ملی میهنی کواتالا » را

رهبرانش شد. این ها با آنکه شتابان به اندیشه مائوتیست، دن رسیتند و هوادار « دولت کارگران و دهقانان » در کواتالا شدند! (۲۸). « جنبش ۱۲ نوامبر » اگر در پنهان اندیشه سیاسی از چین الهام می گرفت، در عرصه استراتژی سخت متأثر از « راه کربایه » بود و تشکیل « کانون های چنگ چریکی ». وجود افسران آموزش دیده و مفهومی نظامی برگسته در صفوف رزم دنگان « جنبش انتقامی ۱۲ نوامبر » سبب شد که این جریان چند سال خوش برداشند.

اما کواتالا، کربایه پیش از انقلاب ۱۹۵۱ نبود. به نزدی روشن شد که « موقد کرچ چریکها » به سانگی و سرعت نمی تواند « موقد بزرگ توهه ها » را به حرکت درآورد. این زمینه تو شاخکی تو شاخکی « جنبش انتقامی ۱۲ نوامبر » شد و جهادی تر ترسیس لیما و بین سوسا، و شکل گیری « نیروهای مسلح شورشی ».

« نیروهای مسلح شورشی » در آغاز به « حزب کمونیست کواتالا » کرایش داشتند که هوادار گذار مسالمات آیینز بود و حرکت کام به کام و حمایت از نامزدهای ملائم تر در انتخابات. اما پس از انتخابات ۱۹۶۳، پیروز شدن ماریو مدنز مونتگری « ملامه » - که زمین داران را مسلح کرد و به آنها اجازه داد برای سرکوب روستانیان میلیش های خصوصی سازمان دهند - « نیروهای مسلح شورشی » به خود آمدند و دست به خود سنجشگری زدند. و آورد این تجربه برسی واقع بینانه تر رضیعت جامعه و توانی قوای ملکی موجود بود. برعی کزینی از نظامی گردی و تکیه مطلق بر سلاح، به کار بست سایر اشکال مبارزه و بعی اورین به سازماندهی پیکار روستانیان. این باز اندیشه میدان حرفت « نیروهای مسلح شورشی » را بازتر کرد و این گروگان گرفت چند نز این بلندیاگان حکومت، سازماندهی شورش های دهقانی، جلب حمایت کریا و به رسمیت شناخت شدن از سوی « کنفرانس سه تاره » (۱۹۶۶) « نیروهای مسلح شورشی » را به پر اعتبارترین و کارآئین جریان چپ کواتالا تبدیل کرد. (۲۰)

تحول سیاسی سالهای ۶۶ - ۶۷ در ۱۹۶۳ نزدیک شد. نیز در بر می گیرد. یکی، نزدیک شدن « جنبش انقلابی ۱۲ نوامبر » به مواضع « نیروهای مسلح انقلابی ». که به ویژه پس از کشته شدن ترسیس لیما، شتابی بیشتر گرفت. و دویی، بو دسته شدن حزب کمونیست کواتالا و بعی اوردن گردی از رهبران و اعضای این جریان به مبارزه چریکی (۲۰)، این مدعی موجب افزایش عملیات مسلحه و کشتارش دامنه چنیش چریکی شد. و نیز افزایش و کشتارش، سرکوبگری حکومت!

ضریب ای که به چنیش چریکی و - غیر چریکی - لرید امده چندان سنگین بود که جنب و چوش مبارزاتی یک چندی نهار رکود شد. نیروهایی برای همیشه از حرکت باز مانند. شمار زیادی به اسارت انتقامی و شمار راه تعبید پیش گرفتند. پیوستن « جنبش انقلابی ۱۲ نوامبر » به « نیروهای مسلح انقلابی »، جمع بندی از یک مرحله مبارزه و سازماندهی نزین نزدیک حرفت و باز اندیشه در باره تاکتیک مبارزه، در چنین حال و هوایی به انجام رسید مهم ترین دست آورده این جمع بندی و باز اندیشه « نیاز به تشکیل یک سازمان سیاسی بود که پای در چنین چریکی شود. و این در حالی بود که در تبعیدگاه - مکریک - نظره هایی در سازمان نزین چریکی بسته می شد: « ارتضی چریکی بی نوایان » (۱۹۷۲) و « سازمان انقلابی مسلح » (۱۹۷۲).

« ارتضی چریکی بی نوایان » را شماری از برگسته ترین روشنگران تبعیدی بیناد گذاشتند. این ها پس از بحث و بدرس های درود و دراز، و تدارک پر دامنه و همه جانبه، از مرز چیپاپس مکریک وارد چنگل های کی چه شلند. و چه تعاین این سازمان نسبت به دو سازمان چریکی دیگری که در دهه شصت شکل گرفتند این بود که بر امیت سرخ پوست در سیاست و جامعه کواتالا و بعیند با مبارزه دهقانان قویاً تاکید می کردند (۲۱). این نکته را از زبان رهبر گردی، رینالدو مورن می شنوند: « ارتضی چریکی بی نوایان » (۱۹۷۲) و « سازمان

در سال ۱۹۸۸ «کنفراسیون ملی کارمندان دولت»، دست بر نست «گروه پشتیبانی همداد»، «کمیته وحدت کارگران کشاورزی»، «اتحادیه امورگاران»، «اتحاد کنفراسیون اتحاد کار» و UNSITRAGUA و اقدام مردمی را بنیان گذاشتند (UASP) که کام بلندی بود در رشد مبارزات اجتماعی.

گچه دولت از رشد این مبارزات بدل خوش نداشت، اما به ندرت فرمان مرسکوب می‌داد. کار سرکوبگری را کماکان ارتش پر دش نداشت که اینک پوشیده و در نهان طرح هایش را به اجراء می‌گذاشت. رویدن در خانه‌های امن به حبس اندخته، شکنجه کردن و کشک رهبران و کشندهان اتحادیه‌های کارگری و تشكیل‌های صنفی که به دست جوچه‌های مرگ انجام می‌شد، در این دوره شدت گرفت. پس بیشتر از دوره حکومت نظامیان!

عملیات آشکار ارتش و پیکر و بیند های قاتلیزی، در خارج از شهرها و در روستاهای خود منعقد. آنجاها که روستاییان و سرخ‌پستان متصرف بودند. این‌ها که دیگر به دنبال چوچکان بودند، ابتکار عمل بیشتری از خود نشان می‌دادند و کوشش من کردن از هر مجال و موقعیتی برای گرفتن امتیاز از زمین‌داران و شرکت‌های زراعی بوده چوند.

چوچکانها هم با اینکه پایگاه گذشتہ‌شان را میان سرخ‌پستان و روستاییان نداشتند و دیگر نمی‌توانستند در مقیاسی کسترهه به جلب و جذب آنها برآیند، نواحی فعال شده بودند. «وحدت اقلابی ملی گواتمالا»، «با نشان دادن تعوانانی چشمکیر در اموغن از اشتباها کاشتند و نرمی فرازینده در باز تعریف هدفها بر مبنای واقعیت‌های نوین»، (۵۸) به سرعت توانست خود را بازسازی کند و با سازماندهی نوینی به این دور تازه مبارزه وارد شود. و با خط مشی تازه، که هسته مرکزی‌شی این بود: اکثر قرار است حکومت نظامی پیچیده شود، آزادیهای سیاسی و اجتماعی تأمین شود و انتخابات آزاد برگزار شود، «جنگ اقلابی توده‌ای» هم زمینه خود را از دست می‌هد و مبارزه شکل سیاسی می‌یابد.

پیرامون این خط مشی نیز کارزار کسترهه ای راه انداختند و پیچم دار مذاکره برای صلح و تفاوچ برای اتفاقی شدند. به این ترتیب «بیش از پیش مشروطیت یافتد، حتا نزد مسلسله مراتب نسبتاً محافظه‌کار کلیسا کاتولیک که نفس وحشیانه حقوق پسر توسط دولت را به شدت محکم و از اقدامات مردمی و اقلابی برای پایان جنگ حمایت می‌کرده»، (۵۹) کارزار سیاسی - تبلیغی «وحدت اقلابی ملی گواتمالا» سر اخر وینسیو سرین را ناگزیر ساخت که اصل صلح را پیشیرد. با چوچکانها به مذاکره پنهانیتند (۶۰)؛ و حتا تا آنچه پیش روی که میزان نشست صلح نیزهای اقلابی امریکایی مرکزی با دولت هاشان شود. (۶۱) در این نشست کم‌مانند که به سال ۱۹۸۷ برگزار شد، «وحدت اقلابی ملی گواتمالا»، چیهه سانیستها و چیهه لارا باندو مارتی دست بر دست هم داشتند. اما «وحدت اقلابی ملی گواتمالا» برخلاف همستان خود، پاشاری نمی‌کرد که هرچه زدتر پیمان صلحی به دست آید، دلیل این سیاست را، پس از سالها رویبریگ استرودیاس چنین باز گفت:

«ما استراتئی دیگری داشتیم که مبتنی بر رای زنی با بخششی کوئنکن جامعه بود - احزاب سیاسی، کارفرمایان، کلیسا - برای رسیدن به مبنای کلتفکنی با دولت و ارتش، این به ما اجازه می‌داد که دلایل کشش را تحلیل کنیم و کم کم نقطه تلاقي طرقین گفتگو را پیاوونیم. و نیز شرایط مساعد مذاکره و صلح را.

## فرایند صلح

اولین گفتگوی بوجانبه صلح در ماربرید انجام شد. در سال ۱۹۸۷، این گفتگو اما به جانی نرسید و چند ادامه یافت: هرچند در ابتدای گفتگو، آنچه بزی به دین ابعادی پژوهشی یافت، پیکار دموکراتیک علیه دولت بود. پیکاری که در سه چیهه به پیش برده می‌شد. در چیهه سیاسی، که محورش مبارزه برای کشتیران ازایمهای

تدارکی برای این رویارویی نمیده بودند. و این موجب شد که حد هزار سرخ پیش همراه و همیارشان را مسلح نکنند و ناخواسته در وضعیت غافلگیری قرار بدهند. فاجعه رخ داد.

موئن، پس از انجام این مأموریت موقتی آمیزاز کار برکار شد: به زعم کارنامه درخشانش، وقتی نزدیک را به دست متولیان ارتش و پیش‌کسوپانش من سپرده، «وحدت اقلابی ملی گواتمالا» لشکری شکست خورده و چنین توده‌ای مغلق شده بود.

## گشايش سیاسي

ناتوان شدن چنیش چوچکان، کاشه اعتبار و اقتدار آن نزد مردم، حساس شدن الملاک عمومی جهان به جنایت بزرگی که در گواتمالا رخ داده بود، افزایش فشار بین المللی بر حکومت نظامی این کشور (که تا حدودی ناشی از فعالیت تبعیدی‌های گواتمالانی در ایالات متحده امریکا و ارتباطی غربی بود) کاره‌گیری بی‌در پی بیکشانه‌ای‌های نظامی از قدرت و روند کسترهش تپنده چنیش، اما در رستا بود. فراسایش خاک و کاشه میزان بهره‌دهی زمین - که پیوندیت فروت کمپانی را به نبال نزد سود بیشتر به سرزمین ها و زمینه های دیگر فعالیت اقتصادی کشانده بود - توده گشاورز را هم بر دادن گونه‌ای موکوگراسی پارهایانی در این کشورها در مستود روز قرار داد. (۵۱)

پیشبرد این استراتئی با ژنرال اسکار ماحیا ویکتوروس بود که بر جای ریویس مونت تکیه زده بود. او می‌باشد همراه با سران ارتش، کام به کام این استراتئی را پیاده کند. و با حواس جمعی کامل، بدین ترتیب پس از تعیین و «معرفت حد و مزد نزد قدرت فیر نظامی»، (۵۲) قانون اساسی تازه‌ای به تصویب مجلس رساندند. این قانون را طوری ساخته و پداخته بودند که به چایه ارتش در ساختار حکومتی نسبت نخورد و استقلال آن بر جا ماند و غیر نظامیان از هر مخالف موقتی در اداره آن باز مانند. نیز لایحه به مزد نزد ارتش و مجلس رساندند که مخاصم ارتش را در روستاهای بلندی‌های کشور تحکیم و تثبیت می‌کرد. (۵۳) پیش از برگزاری انتخابات هم «قانون غل» به تصویب رسید، که افسران ارتش را از هر پیگردی مصون می‌ساخت. (۵۴) انتخاب وینسیو سرین، غیر نظامی به ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۶، آغاز نوران «گشايش سیاسی» در گواتمالا بود. اولین گوشه‌های کوئنکن کشیده بودند که در زمینه سیاسی به میدان آمدند، گروههای پیوندیانی در سالهای نجات دستگاه نامکن نیست. (۵۵) و این که بدون پاکسازی شهرها از فساد و پرهیز از خفوت بی‌رحم و برا، بری از فساد مالی و به دور از باندباری‌های سیاسی، برخلاف سیاری از سران ارتش، برای بیرون کشیدن گواتمالا از بصران برناهه داشت. برنامه‌ای که تنها به سرکوب نظامی چنیش مردمی محدود نمی‌شد؛ هرچند که سرکوبگری - آنهم سرکوبگری این بود که بر رحمانه و تا به آخر - شاهد بیت برناهه بود. برینامه‌اش این بود که تسهیه‌ای هم در نستگاه حکومت لازم است و بدون کنار گذاشت برخی از پلنپایگان فاسد و به میدان آوردن افسران جوان و سالم، نجات دستگاه نامکن نیست. (۵۶) و این که بدون ریوه علیه همه گروههای اجتماعی - که نفرت مکانی به لوکاچ کارسیا را دامن زده بود - پیرینی بر گوچکانها میسر نیست. گفت من شو که گونه‌ای اصلاحات ارضی را نیز برای دوام و بقای نظام موجود ضروری می‌دانست؛ و سر آخر نیز به همین دلیل زیر پایش را خالی کرند. (۵۷)

این افسر باشناکار که واعظ مذهبی پر شوری هم بود، در سنت بو سال زمامداری اش، ارتش را بیش از پیش تقویت کرد، او از بولت ریگان خواست که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری تقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال دولت، حکم «قانونیت تشکیل اتحادیه کارگران دولت را صادر کرد»، (۵۸) کمی نگاشت که «کنفراسیون ملی کارمندان دولت» به وجود آمد که در اندک زمانی، ۵۰۰۰ نفر به عضویتش درآمدند. پیرینی اعتصاب ۱۷۰۰۰ کارمندان دولت در سال ۱۹۸۷ - که به افزایش حقوق‌ها انجامید - و نیز کامیابی‌های سایر اتحادیه‌ها، روند رشد اتحادیه‌های کارگری را شتاب پختید (۵۹). و نیز روند هم‌گرانی تشكیلهای صنفی را.

انقلاب سیاست عدم تمهد و همکاری بین المللی را تضمین می‌کند که مورد نیاز کشورهای فقیری است که می‌خواهند در دنیا میان رشد کنند.

برنامه پنج‌نکته‌ای «وحدت اقلابی ملی گواتمالا» که به طور گسترده‌ای از سوی «کمیته وحدت میهنه گواتمالا» تبلیغ می‌شد، با افزایش عملیات چوچکان علیه ارتش و تأسیسات نظامی حکومت، تاثیر مثبتی بر مناسبات مردم داشت. وضعیت هم به سوی نیزه‌های اقلابی بود. بحران اقتصادی جامعه را در نزدیکی بود. طبق متوسط که از اختلاف و لسان ارتش و افسران هرزنه‌های زنگی به تنگ آمده بود، در برابر اراده نظامیان می‌ایستاد و به چوچکان بروی خوش نشان می‌داد. چنیش دانشجویی، به رغم ضربیاتی که خود را شده - به علت قرار سرمایه، ترس شرکت‌های خارجی از سرمایه‌گذاری در گوچکان بیکار را به میانه‌ی از کشاند. قلب تپنده چنیش، اما در رستا بود. فراسایش خاک و کاشه میزان بهره‌دهی زمین - که پیوندیت فروت کمپانی را به نبال نزد سود بیشتر به سرزمین ها و زمینه های دیگر فعالیت اقتصادی کشانده بود - توده گشاورز را هم بر خاک سیاه نشانه داد. اشباع بازار جهانی هم سیه‌رینی‌شان را در چندان ساخته بود. (۵۱) این همه سبب شد که هزاران روستایی به چند اتفاقی توده ای «بیرونند و نیز کم و بیش هم گروههای سرخ پوستی»، (۵۲) برای مهار این چنیش و برجین ریشه‌های آن بود که ژنرال افرانین ریویس مونت کودتا کرد.

## ریویس مونت

ریویس مونت ژنرال جوان و جسور و چاده طلب بود. پی‌رحم و برا، بری از فساد مالی و به دور از باندباری‌های سیاسی، برخلاف سیاری از سران ارتش، برای بیرون کشیدن گواتمالا از بصران برناهه داشت. برنامه‌ای که تنها به سرکوب نظامی چنیش مردمی محدود نمی‌شد؛ هرچند که سرکوبگری - آنهم سرکوبگری این بود که بر رحمانه و تا به آخر - شاهد بیت برناهه بود. برینامه‌اش این بود که تسهیه‌ای هم در نستگاه حکومت لازم است و بدون کنار گذاشت برخی از پلنپایگان فاسد و به میدان آوردن افسران جوان و سالم، نجات دستگاه نامکن نیست. (۵۶) و این که بدون ریوه علیه همه گروههای اجتماعی - که نفرت مکانی به لوکاچ کارسیا را دامن زده بود - پیرینی بر گوچکانها میسر نیست. گفت من شو که گونه‌ای اصلاحات ارضی را نیز برای دوام و بقای نظام موجود ضروری می‌دانست؛ و سر آخر نیز به همین دلیل زیر پایش را خالی کرند. (۵۷)

این افسر باشناکار که واعظ مذهبی پر شوری هم بود، در سنت بو سال زمامداری اش، ارتش را بیش از پیش تقویت کرد، او از بولت ریگان خواست که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری تقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که اتحادیه کارگری ت مقابل به حزب موکرات مسیحی است. در پایان همین سال داشت، اینک نتوار و با دستی باز، به ارتش که در روند پیش‌سالهای چوچکانی بود، روند را بیش از پیش تقویت کرد. کمی نگاشت که تجهیزات گواتمالانی روحانیت کارگری، که در سال ۱۹۸۳، به پشتیبانی «نیو امریکا توسعه کار آزاد» (CUSA) به وجود آمد، اینک من توانست آزادانه به فعالیت در میان کارگران پردازد و تا حد زیادی از سیاست‌های دولت فاصله بگیرد. کارگران تقدیم و سنتیکالیست‌های UNSITRAGUA را به وجود آورند، که بی‌تردید رزمنده‌ترین و رادیکال‌ترین اتحادیه کارگری گواتمالاست. در سال ۱۹۸۷ CGTG پایه‌رینی شد که ا



\* صلحی «قطعنی و پایدار» جز از راه بازسازی اقتصادی و پاسخ دادن به حداقل خواسته‌های مردم ممکن نیست. با مردمی که ۲۶ سال چند و میلیارسم داشته‌اند و بیشترشان آب آشامیدنی، چاده اسفالت، بیمارستان و آموزشگاه نداشته‌اند، چگونه می‌توان از صلحی «قطعنی و پایدار» سخن گفت و هم‌zman به نیازهای زندگی‌شان پاسخ نهاد؟

ازداده‌انها به زندگی اجتماعی و سیاستی جامعه را (۷۹). اما پیش از اضطراب سوین و آخرین قرارداد صلح در روز ۲۹ سامبر، باید تکلیف «قانونی آشتی ملی» تعیین می‌شد.

### «قانون آشتی ملی»

روز هجدهم سپتامبر، در اوج جدل سیاسی‌یی که کواتمالایستی را به تپ و تاب انداده بود، طرح «قانون آشتی ملی» به مجلس ارائه شد. قانونی که به چریک‌ها و ارتشاری‌ها پیکسان من نگرد، آنها را از «هرگونه مستغلیت جوانی» در این چند ۲۶ ساله محفوظ می‌کند، و این معافیت را به «همه کسانی که مرتكب جنایت شده‌اند، یا بر جنایت‌مشارک داشته‌اند و یا بر جنایت‌ها سرپوشیده‌اند» تعمیم می‌دهد (۸۰). قانونی که همه مجرمان سیاسی‌یی که در «جریان جنگ ری داده» را مورد بشودگی کواتمالایی می‌داند و نیز «همه جنایت‌هایی که در

در «قانون آشتی ملی»» البته این هم آمده است که «رفع مستغلیت جوانی در مورد جنایت‌هایی چون نسل‌کشی، تاپدید شدن‌های اجباری و یا جنایت‌هایی که معلوم شود علیه قانون کتبی بوده، قابل اجرا نیست» (۸۱). اما این بند پیشتر برای خالی نبودن عرضه‌آمده و فریشاندن خشم خالفالین، تا حسایرسی و دادرسی، چه، این بند، از یک سو در تضاد اشکار با بند یک قانون است که تصريح می‌کند «جرائم سیاسی» و «جنایت‌هایی که در «جریان جنگ رخ داده» تمقیب‌پذیر نیست؛ و از دیگر سو «قانون کتبی» کواتمالایی معرفی شده بسیاری از موارد عموماً شناخته شده‌ی تقضی حقق بشر نیست؛ چه، این کشور هرگز پیمان‌های مربوط به «جنایت‌هایی جنگی» و «جنایت‌هایی علیه بشریت» را اضطراب نکرده است. پیمان‌هایی که از نقطه نظر تائین و پیشبرد حقوق بشر دارای اهمیتی بنیادیست (۸۲). و انگه کرده‌های کواتمالایی خواهار حقوق بشر از یک زاویه دیگر نیز به نقد این بند پرداختند. از این زاویه که: نه تنها به موارد کشتارهای فراز و بازداشت‌هایی مربوط به «جنایت‌هایی اشاره‌ای نشده است: و نه تنها به کسانی که در چنین فعالیتهای شرکت داشته‌اند مصونیت داده شده است، بلکه امرین جنایت‌ها و افسران ارشدی که این جنایت‌ها را اپیشانی کرده‌اند نیز شامل مصونیت قانونی شده‌اند.

قول تشکیل «کمیسیون حقیقت» هم مرهمی بر زخم قریانیان چند و خواهاران حقوق بشر نمی‌گذاشت. این کمیسیون که دفت اعلام شده‌اش انجام انداماتی برای بازگردان «حقیقت چند داخلی چهت جلوگیری از تکرار

ارتشر در جامعه می‌پیدازد و تصريح می‌کند که «ظیله‌ای ارتشر» پاسخ‌گردی از مزیده و حقق تأمیت اوضاع کشور است؛ و تا تامین امنیت داخلی، (۸۳) پیمان‌نامه مخفیان مقدر می‌دارد که درسیکی به جرایم غیر نظامی پرسنل ارتشر با دادگاه‌های عمومی است» (۸۰) و وزیر دفاع باید از میان افراد غیر نظامی برگزیده شود. (۷۱) پیمان‌نامه‌ای هم درباره حقوق سرخ پیمان به امضاء رسید که اگر پر ارتشر تر از پیمان‌نامه ارتشر نباشد، کم از ارتشر تر از آن نیست. بر پایه‌ی این پیمان‌نامه، کوامالا با عنوان « واحدی چند قوه و چند زبان» بازنگری می‌شود و «برای خستگی‌های پیمان‌نامه ارتشر» به این نسبت پیمان‌نامه ارتشر از سال ۱۵۲۲ می‌گذرد. از این نظر ارتشر به دست پدر او والار در سال ۱۵۲۲ سرخ پیمان کوامالا ای هم، به عنوان شهریندانی تمام و کمال به رسمیت شناخته شدند» (۷۲)؛ با هم‌وتی مستقل، فرهنگ متغیر از آباد و سنت و پژوه خوش، این پیمان‌نامه مخفیان تصريح می‌کند که همه کواتمالایی‌ها از حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معمنوی برابری پرخوردارند برای... و ریخت شالوه‌های زندگی مشترک نوین»، (۷۳).

جز این پیمان‌نامه، ۱۰ پیمان‌نامه‌ی دیگر و چندین «قرارداد علی» هم به امضاء دولت و «حدت اتفاقی ملی کواتمالا» رسید: در ربط با مهم‌ترین مسائل جامعه، از جمله استقرار اوازگان در زیستگاه‌های آباد و اجدادی‌شان، احیاء شهرها و روستاهانی که به دست ارتشر و پر ارتشر شده‌اند، طرح اصلاحات ارضی، اصلاح ساختار سیاسی و تقویت نهادهای غیر نظامی، اصلاح نظام قضائی، اصلاح نظام مالیاتی، احراز حقوق زنان، حقوق کوکان، حقوق بشر و... (۷۴).

اما آنچه مورد مناقشه بود و تا مدت‌ها پیشگیرنده‌ی قرارداد، مسئله‌ی نقض حقوق بشر در بر ازانتی جنگ ۲۶ ساله بود. چریک‌ها پا می‌فرشند که امرین و عاملین بازداشت‌های غیر قانونی، «تاپدیده شدن» ها، شکنجه‌ها، کشتارها... به دست عدالت سپرده شوند و در دادگاه‌های طنی مورد محکمه قرار گیرند. اما دولت ارزش به هیچ‌وجه حاضر به پیش این اصل نبود و مسئله‌ی «علو عمومی» را پیش می‌کشید (۷۵). اختلاف نظر بر سر این موضوع به حدی بالا گرفت که مذاکرات یک چند نیجار رکود شد و به حالت تعليق درآمد (۷۶). مسئله به بیرون از اتفاق‌های دریسته کشیده شد. گریه‌های کواتمالایی خواهار حقوق بشر، «شورای مهانگی بیوه شدگان کواتمالایی» و سازمان‌ها و احزاب سیاسی دموکرات و ترقی خواه، در حمایت از موضع چریک‌ها «پیمان علیه مصونیت» را پیش می‌کشید (۷۷). اختلاف را پیمایشی‌ها، بست‌نشیتی‌ها و سخنرانی‌ها، به روشنگری درباره حقوق بار علو عمومی پرداختند. احزاب بست‌راستی هم یک‌صدرا از ضرورت چریک‌ها «پیمان علیه مصونیت» را پایه گذاشتند و با راه‌پیمایی‌ها، بست‌نشیتی‌ها و سخنرانی‌ها، به روشنگری دریارهی پیامدهای فاجعه‌بار علو عمومی پرداختند. احزاب بست‌راستی هم یک‌صدرا از ضرورت چریک‌ها «پیمان علیه مصونیت» (۷۷). و چنین هیچ یک از طرفین در این مورد حاضر به پیش ازدهدگری نبود و مذاکرات در این باره به جانی نصی‌رسید، امضاء پیمان‌نامه ای درسته از این پیمان‌نامه ای از این‌جا شروع شد. از آن پیش ازدهدگری این مذاکرات ادامه داشت. این واقعیت البته پس از انتخاب البرز این‌زد به مقام ریاست جمهوری فاش شد!

با روزی کار آمدن آلوید اینزو در ۱۰ نویم در ۱۹۹۶، فرایند صلح جان تازه‌ای گرفت. در ماه مارس، «حدت اتفاقی ملی کواتمالا» یک‌جانبه اتش‌بس داد. دولت هم به ارتشر فرمان داد که به هرگونه عملیات نظامی و اکتشافی در روستاهای بلندی کشور پایان داده شود. در پی این فرمان اینزو پاکسازی ارتشر را در مستور کار خود کذاشت. از ۲۳ تیرمال، ۱۲ نفر را اخراج کرد؛ و نیز شمار فراوانی از سرهنگ‌هایی که گفته می‌شد با «جوچه‌های مرگ»، همکاری دارد (۷۸). نقطه اوج این فرایند توافق بر سر پیمان‌نامه‌ای بود که در ماه سپتامبر به امضاء دولت و چریک‌ها رسید. این پیمان‌نامه مقداری دارد که ارتشر چهل و شش هزار نفره کواتمالایی، در یک بوره‌ی یک ساله به سی هزار نفر کاوش پیدا کند و بوجه ارتشر نیز تا پیش از اغاز سال ۱۹۹۹ تا یک سوم کم شود (۷۹). پیمان‌نامه سپتامبر ۱۹۹۶ همچنین به بازنگری نقش

سیاسی بود و لغو مصونیت ارتشر در پاسخگویی به جنایات‌های بی‌شمارش؛ در چیزهای اجتماعی و فرهنگی، که در نوک پیکانش سرخ پیمان قرار داشتند که برای بازی‌سکری زمین‌ها و حقوق ملی شان مبارزه می‌کردند؛ و در چیزهای اقتصادی که ستونش اتحادیه‌های کارگری بودند و هدف، بهبود وضعیت کار و کیفیت زندگی، رشد و گسترش فراینده این جنبش‌ها - که در پیوندی جدال‌انشدنی با هم قرار داشتند - رئیس جمهور جدید کشور، حوزه سرانو الیاس، را واداشت که گفتگو با چریک‌ها را از سرگیرد.

دور دوم گفتگوها که در سال ۱۹۹۷ در اسلو نروژ آغاز شد، به مراتب جدی‌تر از دور اول بود. این باره ملل متحد باین گفتگوها نظارت داشت؛ نظارتی رسمی، قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و معمنوی برابری پیمان‌نامه‌ی کوامالا را گوشتار پیمان نمایندگی می‌کرد که تا پایان کار مذاکرات (۱۲ دسامبر ۱۹۹۶) حضور داشته و در تمام مراحل تعویض پیمان صلح شرک کرده است.

نشست اسلو نقطه طلبه بود؛ و سرآغاز روند پذیر فراز و فربودی که شش سالی به درازا کشید تا به نتیجه رسید. دادن جایزه ملی صلح نروی به یکی برخاسته از این چهارمین نمایندگی شماری از سران ارتشر

نوبیپش بازگشت ناپذیری فرایند صلح نیز بود. جایزه‌ی «حق زندگانی» پارالمانی سوئد به کوچنده حقوق بشر، انتا مک چاک هم شکست دیگری بود برای ارتشر کواتمالا. (۷۶) در پی این رویداد، شماری از سران ارتشر که در «نایپدید» شدن میرنا مک چاک دست داشتند، به دادگاه فراخوانده شدند و این زمینه‌ای پیدید آورد برای تصویب قانون مجازات عمومی تازه‌ای در سال ۱۹۹۲ که در نوبیپش بازگشت ناپذیری فرایند صلح نیز بود. موجب آن می‌شد پرونده‌های چون پرونده میرنا مک چاک را مورد پیگرد قضائی قرار داد. (۷۶) در پی این رویداد، روند و پس نشست ارتشر آغاز شد. شکست کوچنی ۲۵ ساله می‌شد که سرانجام به ریاست جمهوری رمیرو لیون کارپین انجامید، به معنای تثیت آن روند و تسریع مذاکره صلح با چریک‌ها بود. (۷۶)

بر نوره ریاست جمهوری این مسؤول پیشین رسویگی به موارد نقض حقوق بشر «مجلس ملی» کواتمالا، شالووه بسیاری از پیمان‌نامه‌ی بین‌الین صلح ریخته شد. اما اختلافات حل نشد و با پایان نوره ریاست جمهوری او، سرنوشت صلح در هاله‌ای از ابهام فرد رف و نگرانی‌ها افزید. به ویژه آنکه جانشین دلنوش کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های خارجی که ایجاد بیان در آمریکای مرکزی را در مستور گذاشتند - و اینک دولت کلینتون هم به آنها پیوسته بود - بر آن بودند که به هر صورت و به قویوت کار را به فریام رسانند. به همین دلیل هم حتا در نیز قدرت‌های اجتماعی کارپین، الیور اینزو به عنوان یکی از محاافظه‌کارترین سیاستمداران بست‌راستی کواتمالایی شناخته شده بود. (۷۶) اما نیروهای اجتماعی در چند داخلي و نیز قدرت‌های

تاریخ است» هیچ دانسته نیست که چیزی مم روش نشن نیست (۸۷). نه دادنی اختیار اش، نه کالایش و نه میزان قدرت اجرائی اش (۸۸). انکار این را نیز بر قانون اورده اند، تا که از مخالفت ها بگاهند. اما این هم دلیل دیگر مخالفت تیره های متشكل در پیمان علیه مصونیت با «قانون آشتی ملی» شد. به نگاه پیمان علیه مصونیت، «قانون آشتی ملی» قانون حقوقی استقرار شده بود و نشانه ای باز قربانی شدن حدات در برگاه صلح؛ و از بین رفتن حق و پایمال شدن خون هزار نزد مرد و پیر و جوان.

تأثیر تعالیات های تبلیغی و روشنگرانی پیمان علیه مصونیت، این بود که حکومت با هشیاری و آمادگی بیشتر به تمارک جلسه هجدهم سامبر بپردازد. برای پیشگیری از احتمال به تعطیل کشیده شدن جلسه، وارد تماشاگران به جلسه علنی را منع کردند و تنها به شماری از خانواده قربانیان غشیت - و نیز خبرنگاران - اجازه دادند که بر آن شرکت کنند (۸۹).

پیش بینی های لازم م انجام شد که «قانون آشتی ملی» بی هیچ تبصره و توضیحی به تصویب رسد (۸۷). همه چیز بنا بر برنامه حاضر و آماده ای پیش رفت. از هشتاد نفر نماینده مجلس، ۶۰ نفر به «قانون» رأی مثبت دادند: همه اعضای «جبهه ای جمهوری خواهان کوتاهلا» به رهبری رئیس جمهور سابق ریوس مونت و همای اعضای «حزب پیشرفت ملی»، رئیس جمهور لحق، ابوری ایزو و نیز دموکرات مسیحی ها. آنها هم که به این قانون رأی منفی دادند، پیش از هشت تزن نمودند. اعضای فراکسیون پارلمانی «جبهه ای دموکراتیک کوتاهلا نوبن» و شماری از میانه روهای وابسته به «اتحاد ملی مرکز» (۸۸).

پرسش‌های بی‌پاسخ

صلحی که با عدالت مرعاه نشود، قوی بینای نیست.  
آن هم صلحی که بخواهد پایانی باشد بر جنگی خوبین و  
دیرین. تنها با اجرای عدالت است که من شوه بینایهای  
صلح را قوی ساخت و به «بیمان صلحی قطعی و پایدار»  
دست یافته. اما آیا اجرای عدالت بر گواهاتلا ممکن  
است؟ آیا چنین آزادیخواهانی مردم این جامعه  
خواهد توانست با بوره جست از تناقضات «قانون اشتی  
مل» و «کیمیسین حقوق» حقوق از دست رفته مردمان و  
حقوق مردمان از دست رفته را به کل آورد و به اجرای  
عدالت پاری رساند؟ آیا خواهد توانست با پیگردی پیکار  
نمکراتیک علیه تقضی حقوق پسر در گواهاتلا صدای  
قریبانیان جنگ را پژوک دهد و پیام آنها را به گوش ما  
رساند؟ آیا خواهد توانست حقیقت استبداد و  
خوبیگانی را روشن و از بازنگشت استبداد و خوبیگانی  
پیشگیری کند؟ آیا خواهد توانست تحولی در آگاهی  
مردم به وجود آورد و از تکرار نیوزد در فردای جامعه  
جلوگیری کند؟ آیا خواهد توانست با نشان دادن ساز و  
کار سیاست پی رسمی ۲۶ ساله، بازداشت‌های غیر  
قانونی، تاپیدی شدن‌ها، زندان، شکنجه، اعدام و کشتن  
مخالفان سیاسی را پرای همیشه براندازد؟

دست یابی به این هدف‌ها، خود زمینه‌ساز «صلحی  
قطعی و پایدار» است؛ و این جز از راه تداوم پیکار  
نمکراتیک، کسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی،  
کاهش قدرت سیاسی ارتقش و کوتاه کردن دست این نهاد  
از جامعه مدنی، تضعیف دیوان سالاری و پاکسازی  
ستگاه دولتی ممکن نیست. آیا چنین آزادیخواهان  
خواهد توانست به «قدرت دولتی حله برد؛ آن را محروم  
کند، شاخ و پرگاهی‌هاش را به نسبت‌های نمکراتیک  
هرس کند و به زیادی خواهی‌هاش مهار زند؟» (۸۹)

نیز صلحی قطعی و پایدار، جز از راه بازسازی  
اقتصادی و پاسخ دادن به حداقل خواسته‌های مردم  
ممکن نیست. با مردمی که ۲۶ سال جنگ و میلیتاریسم  
داشته‌اند و بیشترشان آب آشامینی، جاده آسفالت،  
بیمارستان و اموزشگاه نداشته‌اند، چکونه من توان از  
صلحی «قطعی و پایدار» سخن گفت و همزمان به  
نیازهای زندگی شان پاسخ نگفت؟ آز مردمی که هشتاد